



# بزرگ اسلام پیغمبر (ص)

## علامه حلی

است. یکی از این عالمان عامل و دانشمندان متعهد که افکار و آثار جاویدانش تا قیام قیامت به ما و نسلهای آینده نور میدهد و علم جهت دار می‌بخشد، علامه حلی قدس سره است.

### علامه کیست؟

پاسدار بزرگ اسلام و از بزرگترین فقهای شیعه، جامع علوم عقلیه و نقلیه و صاحب تألیفات گرانقدر بی‌شمار، علامه علی الاطلاق، ابن المطهر، سدید الدین حسن بن یوسف حلی. هر جا علامه گفته میشود اسم این بزرگ مرد به ذهن می‌آید. یعنی در محیط فقیهان "علامه" برای ایشان علم شده است و راستی این اسم چقدر با مسمی است. به استثنای علامه حلی، در طول قرون متعادی دانشمندی ندیده‌ایم که بیش از ۵۰۰ جلد کتاب در علوم و فنون مختلف تألیف کرده باشد و قبل از اینکه ۲۶ سال او تمام شود، کتابهایی که در حکمت و کلام نوشته‌است به پایان رسیده شروع به تألیف در کتابهای فقهی کند و تساهتاد سالکی لحظهای از نوشتن باز نایستد، در همه جا و در

دانشجویان علوم دینی بر سه دسته‌اند:

- ۱- گروهی علم دین را برای رسیدن به اهداف و آرمانهای دنیوی میخواهند. اینان را اگر دانشی باشد جز در راه شیطان و متابعت هواهای نفسانی مصرف نمیکنند. این گروه از دانشی پژوهان خود گمراهند و دیگران را به گمراهی و انحراف می‌کشاند.
- ۲- عددهای دانش را برای خود دانش میخواهند. اینها علم را واژه مقدسی میدانند که با کمال اخلاص در برابرش سر تعظیم فرود آورده و در فراگیریش تلاش بسیار می‌کنند ولی حاضر نیستند آنچه آموخته‌اند - اگر حق هم باشد - بديگران بیاموزند اینان نیز تعهدی ندارند و اسلام برای آنها ارزشی قائل نیست چرا که عالم بی‌عمل درخت بی‌ثمر است.
- ۳- گروهی از متعهدان و مخلصان - که در طول تاریخ کم و نادر بوده‌اند - علم را تنها برای خدا میخواهند. علم اینها جهت دار است و این جهت است که دارندگان علوم الهی را همچون ستارگانی روشن و برفروغ در تاریخ نگهداشته و برای آنها بالاترین مقامی که از درکش عقلها را به حیرت واداشته قائل



محقق ، علامه باشد .

فلسفه و هیئت را نزد استاد عالی مقام خواجه نصیر -  
الدین طوسی یاد گرفت . خود او بهنگام صحبت از استادش  
می گوید : الهیات شفای ابن سینا را و یادداشت‌هایی در علم  
هیئت - بتألیف خود خواجه - نزد او آموختم . اساتدان دیگری  
در دیگر علوم داشته است ولی ما به ذکر نام این سه بزرگوار  
اکتفا می کنیم

## مقام علمی

شخصیت و مقام علمی علامه حلی براحمدی پوشیده نیست .  
دوست و دشمن او را به عظمت یاد کرده و در مقابل آن همه آثار  
علمی و تحقیقی با اعجاب و حیرت می نگردند .

صدفی یکی از دانشمندان اهل سنت در کتاب اعیان العصر  
چنین می گوید : فیلسوفی با اخلاق و بردبار ، آنقدر از علوم  
و دانشهای مختلف برخوردار بود که آوازه او سراسر جهان را  
فراگرفته بود . مردم برای رسیدن به او و کسب علم از مکتب او  
تحمل هر گونه سختیها و خطرها می کردند و خلاصه گروه های  
بسیاری از محضر درس او استفاده کرده و خوداستاد شدند .  
ابن حجر می گوید : او علمای بسیاری در علوم و فنون مختلف  
به جامعه اسلامی تحویل داد .

میرزا عبدالله افندی در کتاب ریاض العلماء می گوید : خدای  
رحمتش کند ، او برآستی آیت خدا در روی زمین بود و حقوق  
بزرگی بر شیعیان اثنا عشری دارد ، چه از نظر بیان و زبان و  
تدریس و چه از نظر تألیف و تصنیف . جامع جمیع علوم بود و  
در تمام این علوم تألیف کرد . علامه فیلسوف ، منکلم ، فقیه ،  
محدث ، اصولی ، ادیب و شاعری ماهر بود . بسیاری از فضلا  
و بزرگان زمان خود از سنی و شیعی در مکتب درس او علم آموختند  
الاسلام می نویسد : مدرسه عالی علامه حلی پانصد مجتهد به  
عالم اسلام تحویل داد .

و خلاصه در باره عظمت علمی او آنچه بگویند کم است .  
نوشتناند : پس از اینکه سلطان محمد خداپنده در یک جلسه ،  
بدست ایشان تشیع را اختیار کرد ( و پس از آن ملت ایران پیرو  
مذهب اهل بیت شدند ، و بزرگترین افتخارات را در طول  
قرون آفریدند و تمام اینها به برکت وجود علامه حلی است که  
ایران و ایرانیان را به مذهب اهل بیت هدایت کرد ) از وی  
خواست که وقت بیشتری نزد او بماند و علامه نیز فرصت را  
غنیمت شمرده مدتی در آنجا بود و از امکانات حکومتی استفاده  
بیشتری در ترویج و نشر علوم اهل بیت نمود و یکی از ابتکارات  
جالب او این بود که مدرسه سیاری تأسیس کرد ، یعنی یک

همه حال بنویسد . سواره ، پیاده ، در مسافرت ، در وطن در  
حال صحت و مرض ، شادی و غم ، آزادی و اختناق و خلاصه از  
نوشتن جهت دار در راه الله و برای خدمت به بندگان او هیچگاه  
امتناع نرورد . ( ۱ ) و آنچه از کتابها و نوشتههای این شخصیت  
والای انسانیت می توان دید ، هوش سرشار و استعداد خدادادی  
کم نظیر و تسلط فوق العاده ی او بر دانشها بویژه علوم اسلامی  
است . ( ۲ )

هنگامی که در یکی از بحثهایش آراء و نظرات مختلف را مورد  
بررسی و مقایسه قرار می دهد نظر خود را آنچنان مستدل و متین  
بیان میکند و با دلیل و برهان نظرات دیگران را رد میکند که  
انسان را بی اختیار وادار به پذیرفتن رأی خود می نماید و البته  
این دلیلی جز تبخّر و آگاهی و اطلاع فراوان او ندارد . و چه  
دلیلی بالاتر از آن همه کتابی که به یادگار گذاشت و محصول  
پربرکتی که از عمر خود در اختیار همگان قرار داد که هر گاه به  
این باغهای روح افزا سری بزنیم میوه های نازه و پرطراوت  
می چینیم .

علامه حلی در شب جمعه ۲۷ رمضان ۶۴۸ هجری قمری ، در  
زمان حکومت ستمگر دوران هلاکو خان مغولی ، در یک خانواده ای که  
معروف به علم و تقوی بود در شهر مذهبی حله که مرکز علم در آن زمان بود  
متولد شد . هنوز اولین بهار زندگی خود را نگذرانده بود که ارتش خون  
خوار هلاکو ، پایتخت خلافت اسلامی ( بغداد ) را محاصره کرد . او بدون  
شک هیچگاه فراموش نمیکرد که با دیگر کودکان هم سن و سال خود برای  
فرار از ظلم و ستم کفار مغول - که بی شباهت به بعثیان امروز  
نبودند ، به بلندبهای اطراف حله پناه بردند ، و پس از گذشت  
مدتی کوتاه پدر او بهمراه دیگر علمای حله برای نگهداری از  
حرم اسلامی و آثار اهل بیت عصمت و طهارت بناچار دیداری  
با آن سفاک ستمگر داشتند تا اینکه توانستند حله را - که مرکز  
پیروان و شاگردان مکتب اهل بیت بود - از دایره نفوذ او دور  
نگهدارند . تمام این قضا یا بر او گذشت در حالی که عمرش از  
هشت بهار تجاوز نمیکرد .

علامه در آغاز شاگرد پدر خود بود و علوم شرعی را نزد او  
دانشی بزرگوارش محقق حلی - که یکی از بزرگترین و معروفترین  
فقهای تاریخ تشیع است ، آموخت . و چه بجا است که شاگرد



مدرسه مستقل که چند اطاق برای تدریس با تمام امکانات در آن بود و علامه حلی بوسیله این مدرسه متحرک و متنقل به شهرهای زیادی مسافرت می کرد و هر جا می رفت شاگردانی جدید برای خود انتخاب میکرد و آنان را به علوم اسلامی آشنا می ساخت.

\*\*\*

علامه حلی آثار و تألیفات ارزشمندی دارد ولی آنچه تا امروز باقی مانده و نورافشانی می کند در حدود صد کتاب است: ۲ کتاب بزرگ در فقه، ۷ کتاب در اصول فقه، ۲ کتاب در تفسیر قرآن، بیش از ۳۰ جلد در علم کلام و اعتقادات و اصول دین، ۳ جلد در علم رجال، ۲۶ جلد در حکمت و فلسفه و منطق، ۲ جلد در ادعیه، ۳ جلد در نحو، ۲ جلد در فضائل اهل بیت و کتابهای متنوع دیگر که اینک برخی از این کتابها فهرست وار نقل می کنیم:

۱- **إِرْشَادُ الْأَذْهَانِ إِلَى أَحْكَامِ الْإِيمَانِ**: یکی از ارزشمندترین کتابهای فقهی است که تا کنون دانشمندان شرحهای زیادی بر آن نوشته اند. این کتاب شریف دارای ۱۵۰۰۰ سألہ است.  
۲- **کِتَابُ الْأَلْفِينِ**: در این کتاب ۱۰۳۸ دلیل عقلی و نقلی در امامت و خلافت و عصمت امیرالمؤمنین علی (ع) موجود است که علامه به درخواست فرزندش این کتاب را نگاشت.  
۳- **الْبَابُ الْحَادِي عَشَرَ**: در اصول دین و آنچه بر عسوم مکلفین واجب است بیش از ۳۰۰ شرح بر این کتاب نوشته شده است.  
۴- **تَبْصِرَةُ الْمُتَعَلِّمِينَ فِي أَحْكَامِ الدِّينِ**: از مهمترین متون فقهی است و یک دوره کاملی از فقه است که به اختصار نوشته شده. فقها، اهمیت بسیاری برای این کتاب ارجمند قائلند.  
۵- **تَحْرِيرُ الْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ عَلَى مَذْهَبِ الْأِمَامِيَّةِ**: دوره کاملی از فقه است، گرچه به روش استدلالی تحریر نشده ولی علامه حلی فتاوی خود را در این کتاب جمع آوری نموده است و به زبان ساده تر رساله عملیه علامه است که دارای ۴۰۰۰۰ سألہ است.

۶- **تَذْكَرَةُ الْفُقَهَاءِ**: دائره المعارف بزرگی در فقه خلافتی است. علامه حلی در این کتاب به بررسی فتاوی علمای شیعه و سنی پرداخته و نظر خود را نیز نقل کرده است.

۷- **تَهْذِيبُ الْوُصُولِ إِلَى عِلْمِ الْأُصُولِ**: و این کتاب نیز از کتب درسی و تحقیقی ارزنده و از متون اصلی اصول به حساب می آید. بسیاری از علمای بزرگ به بررسی کتاب پرداخته و بر آن حاشیه زده اند.

۸- **قَوَاعِدُ الْأَحْكَامِ فِي مَعْرِفَةِ الْحَالِ وَالْحَرَامِ**: ده ها هزار سألہ شرعی در این کتاب به چشم میخورد. و در آخر کتاب، وصیتی است به فرزندش که این وصیت شامل محاسن اخلاقی است.  
۹- **الْأَدْعِيَةُ الْفَاحِشَةُ**: ادعیه ای که از اهل بیت رسیده است

در چهار جلد .

۱۰- **الْأَسْرَارُ الْخَفِيَّةُ فِي الْعُلُومِ الْعَقْلِيَّةِ**: در حکمت .  
۱۱- **الْإِشَارَاتُ إِلَى مَعْنَى الْإِشَارَاتِ**: شرح اشارات ابن سینا .  
۱۲- **التَّعْلِيمُ الثَّامُّ فِي الْحِكْمَةِ وَالْكَلَامِ**: در علم فلسفه و کلام .

۱۳- **جَوَاهِرُ الْمَطَالِبِ فِي فَضَائِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع)** .

۱۴- **خُلَاصَةُ الْأَقْوَالِ فِي مَعْرِفَةِ أَحْوَالِ الرِّجَالِ**: در علم رجال .  
۱۵- **القول الوجيز**: در تفسیر قرآن .

۱۶- **كَيْفُ الْمُرَادِ فِي شَرْحِ تَجْرِيدِ الْأَعْتِقَادِ**: در عقائد .  
۱۷- **مُخْتَصَرُ شَرْحِ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ** .

۱۸- **مُخْتَلَفُ الشَّيْخَةِ فِي أَحْكَامِ الشَّرِيعَةِ** .

۱۹- **الْمَطَالِبُ الْعِلْمِيَّةُ فِي عِلْمِ الْعَرَبِيَّةِ**: در ادبیات و نحو .  
۲۰- **الْمِنْهَاجُ فِي مَنْاسِكِ الْحَاجِ**: در اعمال حج .

۲۱- **رَبْهَائِيَةُ الْمَرَامِ فِي عِلْمِ الْكَلَامِ**: در علم کلام - ۴ جلد .  
۲۲- **الدَّرْوَالِ الْمَرْجَانُ فِي الْأَحَادِيثِ الصَّحَاحِ وَالْحِجَابِ**: در

حدیث - ۱۰ جلد .

۲۳- **جَوَابَاتُ الْمَسَائِلِ الْمَهْنَثِيَّةِ**: در پاسخ به سئوالات .

۲۴- **تَجْرِيدُ الْأَبْحَاثِ فِي مَعْرِفَةِ الْعُلُومِ الثَّلَاثِ**: در منطق و فلسفه طبیعی و حکمت الهی .

۲۵- **إثْبَاتُ الرَّجْعَةِ** .

۲۶- **اِسْتِقْصَاءُ الْأَغْتِيَابِ**: در معانی اخبار و احادیث. علامه گوید: هر حدیثی که به ما رسیده است در این کتاب ذکر کردیم و بهرامون سند حدیث بحث کردیم و محکم و متشابه آن را و آنچه در متن حدیث بر اصول و ادبیات مشتمل است و آنچه از آن استفاده و استنباط میشود از احکام یاد آور شدیم و تا کنون مثل این کتاب نوشته نشده است.

۱- نوشته اند که یک وقت علامه حلی به قصد استراحت چند روزی به یکی از بیلاقیهای خوش آب و هوا مسافرت کرد. پس از برگشتن به وطن، مدتی گذشت و فرزند خود "فخر المحققین" را در نماز جماعت نمی دید. روزی از وی پرسید: چرا به جماعت حاضر نمیشوی؟ فخر المحققین به پدر گفت: من در عدالت شما شک کرده ام! پرسید چرا؟ جواب داد: شما چند روز از عمر خود را برای تفریح و استراحت گذراندی و هیچ خدمتی انجام ندادی؟ علامه در پاسخ گفت: اتفاقاً من در این چند روز کتاب "تبصره المتعلمین" نوشته ام. فرزند از پدر عذرخواهی کرد و ارادت او به پدرش بیشتر شد. بجا است که بدانیم این کتاب یکی از مهمترین متون فقهی است و دارای ۸۰۰۰ سألہ است.

۲- راستی حیرت انگیز است اندیشه این مرد بزرگ. روزی در مجلس علامه مجلسی قدس سره بحث در باره "علامه حلی" بود. یکی از شاگردان گفت: اگر نوشته های علامه حلی را بر سالیان عمرش تقسیم کنیم به این نتیجه می رسیم که معدل نوشتن او روزی هزار سطر است. مجلسی فرمود: تألیفات ما هم کمتر نیست. یکی از شاگردان جواب داد: فرق شما و ایشان این است که از شما تألیف است و از علامه تصنیف. (البته ناگفته نماند که بسیاری از کتابهای علامه مجلسی نیز تصنیف است ولی به اندازه علامه حلی نیست).